

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))
سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۵۵۲۲ رده بندی کنگره: ب ۲۱/۷۶۴۱۰

بررسی فقه الحدیثی روایات باب «کراهه اجاره الانسان نفسه»

سیده معصومه حسینی قلعه بهمن^۱، فاطمه مراد علیزاده، ابراهیم مومنی^۲

چکیده

امروزه یکی از اصلی ترین راه های کسب در آمد و امرار معاش این است که افراد به نوعی نیروی جسمی خود را نیز در اختیار دیگران گذاشته و در ازای دریافت مزد و اجرت برای آن ها کار می کنند به این صورت که برخی به عنوان کارمند، نیروهای خدماتی، کارگر و... به استخدام دیگران در می آیند. این افراد در ساعات مشخصی عملاً خود را اجاره داده و از طریق کار کردن برای دیگران کسب درآمد و امرار معاش می کنند. این مسئله به حدی فراگیر است که اگر قرار باشد آن دسته از افراد جامعه را که برای دیگران کار نمی کنند را مستثنا کنیم جز افراد اندکی را شامل نخواهد شد. در حالی که این مسئله در جامعه رواج دارد در برخی از روایات شیعه دیده می شود که این مسئله امری ناپسند شمرده شده یا در برخی روایات چنین عملکردی را سبب تنگ شدن روزی و برخی دیگر حتی در صورت عدم وقوع این مسئله به طور کلی این عمل را ناپسند دانسته است از این رو بررسی این باب از احادیث از چند جهت قابل توجه است. اول اینکه این روایات از نظر سندی معتبر است یاخیر؟ دوم اینکه منظور از کراهت از نظر این احادیث به چه معناست و وجه کراهت چیست. سپس این روایات چه گونه باهم جمع می شود؟ آیا برای

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، قم، ایران

Ghbmh۴۵@Gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش اخلاق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

Ziste.Akhlaghi@Gmail.com

دوری از این کراهت راهی وجود دارد یا از سر اجبار و عدم اخلاق در اجتماع و لزوم امرار معاش ناچاریم به این کراهت تن دهیم. برای یافتن پاسخ به این سئوالات به بررسی دیدگاه عالمان شیعه با رویکرد فقه الحدیث می پردازیم.

واژگان کلیدی: فقه الحدیث، اجاره، اجاره انسان، کراهت، اجاره انسان نفسه، روایات فقهی، تحلیل روایی، احادیث اجاره، مکاسب، احکام اجاره.

• تحلیل و بررسی موضوع

در وسایل الشیعه بابی وجود دارد که در آن درباره کارگری و کارمندی بحث می کند. در نام این باب که "بابُ کَرَاهَةِ إِجَارَةِ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ مُدَّةً وَ عَدَمِ تَحْرِيمِهَا فَإِنْ فَعَلَ فَمَا أَصَابَ فَهُوَ لِلْمُسْتَأْجِرِ" است نکاتی دیده می شود:

۱. کراهت کارگر یا کارمند شدن

۲. عدم حرمت کارگری و کارمندی

از این دو نکته از عنوان باب برداشت می شود که نفس کارگری ناپسند است که در عرف مردم و دین ناپسندی اش تا حدی است که این باب در راستای نشان دادن احادیثی است که می گویند که این کار حرام نیست و فقط کراهت دارد. از این باب پرسشی در ذهن ایجاد می شود. این پرسش این است که چرا کار کارمندی و کارگری کراهت دارد و

جلوه خوبی از نظر دینی ندارد. اگر به جامعه امروزی دقت شود مردم زیادی مشغول کار کارمندی یا کارگری هستند که اگر این کارها از نظر دینی کراهت داشته باشد پس تکلیف انجام کارهای جامعه اسلامی چه می شود. قطعاً هر حکومت و ارگانی نیازمند افرادی است که بتوانند به عنوان کارمند و یا کارگر برای پیش برد اهدافش با اعطای مزد و اجرت برایش کار کند. باید دید که دین که منشور زندگی مسلمانان را شامل میشود منظورش از کراهت اجاره نفس انسان یا همان کارمندی چیست. و کراهت از چه جهاتی است. در قران کریم سوره ذخرف ایه ۳۲ آمده است برخی به برخی دیگر خدمت می کنند.

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (۳۲) این ایه نشان می دهد که نه تنها اشکالی در کارگری و کارمندی نیست بلکه یکی از سنت های الهی است که افرادی بالا دست افراد دیگر باشند تا روزی شان را خداوند از طریق انها برساند. باتوجه به این پرسش مطرح شده باید این باب از وسایل را بررسی کرد و از طریق خانواده حدیثی احادیث مربوط به انرا پیدا کرد تا نظر عالمان و شیوه برخورد با این دسته احادیث را کشف کرد. تا از این طریق بتوان منظور امام را فهمید.

با نظر به این باب در این کتاب سه روایت می بینیم:

۲۴۲۴۴-۱- مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونسَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ.

هر کس نفس خود را اجاره دهد پس روزی را بر خودش ممنوع کرده است. در مقایسه اللغة آمده است حظر دلالت می کند بر منع. همچنین در معجم الوسيط همین معنا آمده است. این حدیث از نظر سندى صحیح می باشد. همچنین در مجمع البحرين حظر به معنای منع دلالت دارد (وَفِي حَدِيثِ الْمَعِيشَةِ "مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ". آی منع، من قوله حَظَرَتْهُ حَظْرًا من باب قتل: منعه).

۲۴۲۴۵-۲- قَالَ وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى كَيْفَ لَا يَحْظَرُهُ وَ مَا أَصَابَ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ. در روایت دیگری آمده است که چه گونه ممنوع نمی کند بر خودش در حالی که هر چه که در می آورد برای صاحبش است. منظور این حدیث این است که چگونه روزی فرد کم همیشه درحالی که تمام نتیجه و حاصلی که با تلاش و زحمت کسب کرده است باید به کسی که او را اجاره کرده است بدهد. این روایت به صورت مرسل در وسائل الشیعه آمده است، اما در کافی در ذیل باب "بَابُ كَرَاهِيَةِ إِجَارَةِ الرَّجُلِ نَفْسَهُ" به معنای کراهت اجاره دادن نفس انسان این روایت بدین گونه آمده است:

^۱ (۲) - الکافی ۵- ۹۰- ۱، و آورده فی الحدیث ۱ من الباب ۶۶ من أبواب ما یکتسب به.

^۲ (۳) - الکافی ۵- ۹۰- ۱ ذیل حدیث ۱.

۱- مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ آجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ. در این روایت می‌گوید اگر فردی خود را اجاره داد یا همان کار کارمندی را انجام داد همه تلاش و زحمتش برای صاحبش است و تمام نتیجه کارش را به او باید بدهد. بعد از این روایت روایتی دیده می‌شود که مربوط به همین موضوع است. بدین صورت روایت دیگری درباره‌ی این حدیث می‌توان در کافی پیدا کرد.

۲- عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِجَارَةِ فَقَالَ صَالِحٌ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا نَصَحَ قَدْرَ طَاقَتِهِ قَدْ آجَرَ مُوسَى ع نَفْسَهُ وَ اشْتَرَطَ فَقَالَ إِنْ شِئْتُ ثَمَانِي وَ إِنْ شِئْتُ عَشْرًا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ- أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ^۱. سوال شد از ابی الحسن از اجاره پس گفت اگر صالح باشد مشکلی ندارد. با ضمن مشخص بودن زمان اجاره مثلاً هشت سال و ده سال. همان‌طور که موسی خودش را اجاره داد بشرط شروطی و ایه أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ نازل شد. این نشان می‌دهد که حضرت موسی کارگر شخصی (شعیب) به مدتی بوده است. از طرز سوال پرسیدن این شخص مشخص است که در نظر او کارگری مشکل دارد و دارای کراهتی یا در سطح بالاتر دارای حرمت است. که امام باقر صالح بودن کسی که برایش کار می‌کنند و اینکه فرد کارگر کار از توانش خارج نباشد ایرادی در کارگری نمی‌بیند. پس این حدیث نه تنهایی حرمت بلکه

^۱ (۱) القصص: ۲۸.

کراهتی راهم نمی رساند. در کتاب الوافی اینگونه ذیل این روایات آمده است که: فی الفقیه أعطی أكثر مما یصیب و فی التهذیین جمع بین الأخبار بحمل المنع علی الکراهیه و فیہ أنه یبعد أن یکون معاملہ موسی و شعیب علی نبینا و آلہ و علیهما السلام معاملہ مکروهه و الأولى أن یحمل المنع ما إذا استغرقت أوقات المؤجر کلها بحیث لم یبق لنفسه منها شیء كما دلت علیه الروایة الأخيرة من الحدیث الأول و أما إذا كانت بتعین العمل دون الوقت کله فلا کراهیه فیها کیف و قد کان أمير المؤمنین ع یؤاجر نفسه للعمل لیهودی و غیره فی معرض طلب الرزق كما ورد فی عدۀ من الأخبار . فیض کاشانی معتقد است که از این دست روایات نه تنها حرمت فهمیده نمی شود بلکه کراهت هم فهمیده نمی شود. همان طور که معامله موسی با شعیب مکروه نمی باشد. همان طور که معامله حضرت علی با فرد یهودی مکروه نبوده است این درحالی است که زمان برای کارشان تعیین نکرده بودند یعنی اجاره بدون زمان از نظر هم ایشان مکروه نیست. در روایت دیگری از همین باب در کافی آمده است دلیل اینکه خوب نیست انسان نفسش را اجاره دهد یعنی کارگری کند این است که هر چه در می آورد را باید به کسی که او را اجاره کرده است بدهد که ان موجب به او اجرت دهد .

۳- أَحْمَدُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عَمَّارِ السَّابَّاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع الرَّجُلُ يَتَّجِرُ فَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ مَا يُصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ فَقَالَ لَا يُؤَاجِرُ نَفْسَهُ وَلَكِنْ يَسْتَرْزِقُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَتَّجِرُ فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقُ^۱. امام می فرماید که خداوند

^۱ (۲) قوله: «آجر نفسه أعطى ما یصیب» فی الفقیه «اعطى أكثر ما یصیب». و فی التهذیین جمع بین الأخبار بحمل المنع علی الکراهیه. و فیہ أنه یبعد أن یکون معاملہ موسی و شعیب علی نبینا و آلہ و علیهما السلام معاملہ مکروهه، و الأولى

روزی رساند حقیقی است اگر کسی به وسیله کس دیگری (واسطه رزق از خداوند) یعنی مستقیم از خدا روزی نگیرد و منتظر دست دیگری باشد بر نفسش روزی را ممنوع و تنگ کرده است. در مستدرک وسایل ذیل همین باب با همین نام دو حدیث آمده است که در باره کارگری امام علی برای مرد یهودی بحث می‌کند. (۲-۲) «بَابُ كَرَاهَةِ إِجَارَةِ الْإِنْسَانِ نَفْسُهُ مُدَّةً وَ عَدَمِ تَحْرِيمِهَا فَإِنْ فَعَلَ فَمَا أَصَابَ فَهُوَ لِلْمُسْتَأْجِرِ» در این حدیث می‌بینیم که امام علی برای یک فرد یهودی کار می‌کند و ازان فرد مزد دریافت می‌کند:

۱۶۰۱۴-۳ عَوَالِي اللَّائِكِي، وَ فِي الْحَدِيثِ أَنَّ عَلِيًّا عَ آجَرَ نَفْسَهُ مِنْ يَهُودِيٍّ لِيَسْتَقِيَّ الْمَاءَ كُلَّ دَلْوٍ بِتَمَرَةٍ وَ جَمَعَ التَّمَرَاتِ وَ حَمَلَهُ إِلَى النَّبِيِّ ص فَأَكَلَ مِنْهُ. در عوالی الالی آمده است امام علی برای یک مرد یهودی کارگری کرد. امام برای آن مرد یهودی قرار شد که اب بیاورد به صورتی که به ازای هر دلوئی که برایش اب ببرد یک خرما به او بدهد. یعنی اجرت امام یک خرما در ازای یک دلو بوده است. امام که این کار را انجام می‌دهد خرما هار ا جمع می‌کند و برای پیامبر می‌برد و ایشان از آنها می‌خورد. که این نشان می‌دهد که کارگری حتی برای شخصی یهودی حرام نیست بلکه کراهت دارد انهم از جهت اینکه برای شخص کارگر تمام در آمد را دریافت نمی‌کند و نتیجه کارش و هرچه تجارت کند را باید به

أن يحمل المنع على ما إذا استغرقت أوقات الموجه كلها بحيث لم يبق لنفسه منها شيء كما دل عليه الرواية الأخيرة من الحديث الأول و أمّا إذا كانت بتعيين العمل دون الوقت كله فلا كراهية فيها، كيف و قد كان أمير المؤمنين عليه السلام يؤاجر نفسه للعمل ليهودي و غيره في معرض طلب الرزق كما ورد في عدة من الأخبار. (فی)

^۱ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

^۲ الباب ۲.

^۳ ۱- عوالی اللایکی ج ۳ ص ۲۵۴ ح ۴.

صاحبش بدهد و از طریق صاحب خود روزی بگیرد. در روایت بعدی از مستدرک الوسائل گزارش دیگری از این اتفاق دیده می شود:

۱۶۰۱۵-^۱ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّيَّارِيُّ فِي كِتَابِ التَّنْزِيلِ وَ التَّحْرِيفِ، عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ الَّذِينَ يَلْمَزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ فِي الصَّدَقَاتِ^۲ قَالَ ذَهَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص فَاجْرَ نَفْسَهُ عَلَى أَنْ يَسْتَقْبَلَ كُلَّ دَلْوٍ يَتِمَّرُهُ مُخْتَارِهَا فَجَمَعَ مَدًّا فَأَتَى بِهِ النَّبِيَّ ص وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ عَلَى الْبَابِ فَلَمَرَهُ وَ وَقَعَ فِيهِ فَأَنْزَلَتْ فِيهِ هَذِهِ الْآيَةُ^۳ إِلَى قَوْلِهِ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ^۳ الْآيَةُ.

در کتاب تنزیل و تحریف آمده است که سوال شده از امام صادق که ایه الَّذِينَ يَلْمَزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ فِي الصَّدَقَاتِ برای چه اتفاقی نازل شده است که ایشان داستان را بدین گونه شرح می دهد که روزی امام علی برای شخصی کارگری کرد که برایش اب بیاورد و اجرت امام این بود که برای هر دلو ی یک خرما بگیرد. و ایشان پس انجام کارش خرما هارا جمع می کند و به نزد رسول الله می اید. عبدالرحمن بن عوف بر در ایستاده بود و ایشان را دست انداخت. و این ایه درباره سخنش که گفت اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ نازل شد. یعنی این حدیث شان نزول این ایه است.

^۱ ۲- کتاب التنزیل و التحریف ص ۲۷.

^۲ (۱) التوبة ۹: ۷۹.

^۳ (۲) التوبة ۹: ۸۰.

در روایت سومی که در وسایل آورده شده است توضیح می دهد که وجوه اجاره چه گونه است. ابتدا درباره ی این می فرماید که اجاره یکی از راه های در آمد مردم است . یعنی مردم برای کسب روزی میتوانند کارگر شوند. همان طور که خداوند در ایه ۳۲ سوره زخرف آورده است. البته این کار باید حکمت مند باشد و در توان فرد باشد. که این کار برای زندگی مردم لازم است. که شامل بنایی نجاری باشد یا هر کار صنعتی دیگری.

۲۴۲۴۶-۳-^۱ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُرْتَضَى فِي رِسَالَةِ الْمُحْكَمِ وَالْمُشَابِهَةِ نَقْلًا مِنْ تَفْسِيرِ النُّعْمَانِيِّ بِإِسْنَادِهِ الْأَتِيِّ^۲ عَنْ عَلِيٍّ ع فِي بَيَانِ مَعَايِشِ الْخَلْقِ قَالَ: وَأَمَّا وَجْهُ الْإِجَارَةِ فَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ^۳ - فَأَخْبَرَنَا سُبْحَانَهُ أَنَّ الْإِجَارَةَ أَحَدُ مَعَايِشِ الْخَلْقِ إِذْ خَالَفَ بِحُكْمَتِهِ بَيْنَ هِمَمِهِمْ وَإِرَادَتِهِمْ وَسَائِرِ خَالَاتِهِمْ وَجَعَلَ ذَلِكَ قِوَامًا لِمَعَايِشِ الْخَلْقِ وَهُوَ الرَّجُلُ يَسْتَاجِرُ الرَّجُلَ فِي ضَيْعَتِهِ وَأَعْمَالِهِ وَأَحْكَامِهِ وَتَصَرُّفَاتِهِ وَأُمْلَاكِهِ وَلَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِمَّنْ يُضْطَرُّ إِلَى أَنْ يَكُونَ بِنَاءً لِنَفْسِهِ أَوْ نَجَارًا أَوْ صَانِعًا فِي شَيْءٍ مِنْ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الصَّنَائِعِ لِنَفْسِهِ وَ يَتَوَكَّلَى جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ إِصْلَاحِ الثِّيَابِ وَمَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْمَلِكِ فَمَنْ ذُوْنُهُ مَا اسْتَقَامَتْ أَحْوَالُ الْعَالَمِ بِذَلِكَ وَلَا اتَّسَعُوا لَهُ وَلَعَجَزُوا عَنْهُ وَلَكِنَّهُ أَتَقَنَ تَدْبِيرَهُ لِمُخَالَفَتِهِ بَيْنَ

^۱ (۴) - المحكم و المتشابه - ۵۹.

^۲ (۵) - يأتي في الفائدة الثانية من الخاتمة برقم (۵۲).

^۳ (۶) - الزخرف ۴۳ - ۳۲.

هِمَمِهِمْ وَكُلَّ مَا يَطْلُبُ مِمَّا تَنْصَرِفُ إِلَيْهِ هِمَّتُهُ مِمَّا يَقُومُ بِهِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ وَلَيْسَتْغْنَى بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ فِي أَبْوَابِ الْمَعَاشِ الَّتِي بِهَا صَلَاحُ أَحْوَالِهِمْ.^۱

ایت الله بروجردی نیز در جامع الحادیت بابی درباره کارمندی آورده است تحت همین عنوان فی کراهه إجارة الإنسان نفسه مدة، و عدم تحریمها، که ایشان نیز به بررسی این گونه روایات پرداخته اند. ایشان حدیث سوم را با کمی تفاوت اینگونه نقل کرده اند:

۲۳ وَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا^۳ فَأَخْبَرَنَا سُبْحَانَهُ أَنَّ الْإِجَارَةَ أَحَدُ مَعَاشِ الْخَلْقِ إِذْ خَالَفَ بِحُكْمَتِهِ بَيْنَ هِمَمِهِمْ وَإِرَادَتِهِمْ وَ سَائِرِ حَالَاتِهِمْ، وَ جَعَلَ ذَلِكَ قِوَامًا لِمَعَاشِ الْخَلْقِ، وَ لَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِمَّنْ يُضْطَرُّ إِلَى أَنْ يَكُونَ بَنَاءً لِنَفْسِهِ، أَوْ نَجَّارًا، أَوْ صَانِعًا فِي شَيْءٍ مِنْ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الصَّنَائِعِ لِنَفْسِهِ، وَ يَتَوَلَّى جَمِيعَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنَ الْمَلِكِ فَمَنْ دُونَهُ مَا اسْتَقَامَتْ أَحْوَالُ الْعَالَمِ بِذَلِكَ، وَ لَا اتَّسَعُوا إِلَيْهِ، وَ لَعَجَزُوا عَنْهُ.^۴ وَ رَوَى: أَنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ. از این روایت می توان نکاتی را استخراج کرد. ابتدا همانند روایت قبل می فرماید که کارمندی یکی از مشاغل لازم جامعه انسانی است. و اگر مردمی از امت مضطر شدند از نظر مالی که کارگری کند اشکالی ندارد ولی باید در راستای حکمت و توان ان فرد باشد.

^۱ شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

^۲ (۲) الوسائل ۱۳: ۲۴۴/۳.

^۳ (۳) الزخرف: ۳۲.

^۴ (۴) الوسائل ۱۳: ۸۸۳/۲.

در کتاب فقه القرآن نیز ذیل بابی با عنوان "باب المكاسب المحظورة و المكروهة" این دست روایات بررسی شده است. قطب الدین رواندی در ذیل این دست روایات (روایت عمار ساباطی و ابن سنان و ابن بصیر) این چنین می نویسد: و لا تنافی بینهما لأن الخبر الأول محمول على ضرب من الكراهية و الوجه في كراهة ذلك أنه لا يأمن أن لا ينصح في عمله فيكون مأثوما و قد نبه على ذلك في الخبر الأول بقوله لا بأس إذا نصح قدر طاقته. ایشان کراهت را از جهت خارج شدن کار از طاقت فرد می داند و اینکه فرد در گناه بیوفتد. به جز اینها کارگری و کارمندی اشکالی ندارد.

باتوجه به بررسی های انجام شده می توان دید که کسانی بخاطر مشکلات مالی دچار اضطراب می شوند و احتیاج پیدا می کنند که اجیر کسی بشوند یا برای کسی کارگری یا کارمندی بکنند حرمت ندارد بلکه از جهت اینکه از حکمت دور شوند یا کار از میزان طاقت و توانش خارج شود یا اینکه فرد در انجام این گونه اعمال دچار گناه و معصیت نشوند. حال باید در جامعه امروزی چه گونه با این مسئله برخورد داشته باشیم؟

ایت الله جوادی در درس خارج فقه خود به این مسئله پرداخته است:

"مسئله اجاره دادن، یعنی انسان تمام وقت خود را، عمر خود را و ابتکار خود را در اختیار دیگری قرار دهد تا مزدی بگیرد، این کلمه «مزدور» در فارسی این ملکه را نشان می دهد، اگر کسی اجیر شود و برای کسی یک ساعت یا دو ساعت کار کند این را نمی گویند مزدور، همه این پزشکان اجیر هستند" با توجه به سخن ایشان نه تنها کارگران و کارمندان اجیر هستند بلکه در جامعه امروزی حتی پزشکان هم اجیر و کارمند اند. زیرا مزد و اجری

| ۱۲

آورده است. فرموده حالا شما تعاونی درست کنید، وام بدهید، خودش سرمایه داشته باشد، راهنمایی کنید و کمک کنید که روی پای خود بایستد." در این جا می شود راهبردی که جامعه اسلامی می تواند برای کارمندان و کارگران خود در جهت پیشرفت اهداف اجتماعی جامعه و همچنین از بین نرفتن خلاقیت فردی انجام دهد را می توان پیشنهاد داد. این پیشنهاد این است که به این افراد تسهیلات مالی تعلق بگیرد تا بتوانند به غیر از کارهایی که انجام می دهند تجارت خودشان را داشته باشند. قطعاً کسانی را با این روش پرورش خواهد داد که قوی تر در کارهای لازم جامعه کار کنند. همچنین در قرآن هم به تعاون و کمک دوجانبه اشاره شده است همان طور که در ادامه بحث ایشان دیده می شود: "این همان است که در جهان صنعتی به عنوان سهامدار کردن کارگران صورت می پذیرد؟"

پاسخ: که از اسلام گرفتند. ما سعی کنیم که مزدور باید مالک شود و او را بالا بیاوریم، وگرنه اینکه فعلاً هست، اینکه در قانون اساسی اصرار شده است بر اینکه یک بخش دولتی است و یک بخشی تعاونی است که تعاونی ها را خیلی باید تقویت کرد و خط فکر رهبران نویسنده قانون اساسی به سمت تعاونی رفته بود، برای همین جهت بود. بنابراین وقتی که اسلام آمد دست مردم را گرفت و بالا برد، گفت «تعالوا» بیایید بالا و نگفت «الی». فرمود من از جای بلندی آمدم، حرف بلندتری می زنم و با کرامت می خواهم شما اداره شوید، من می خواهم اکرام کنم نه اطعام، نمی خواهم شکم شما را سیر کنم، من می خواهم کرامت شما را تأمین کنم «تعالوا»، یعنی بالا بیایید، نه «الی». فرمود که مال که عامل قیام است، اگر کسی دستش و جیبش و کیفش خالی باشد که ستون فقرات او شکسته است و اگر کیفش

خالی باشد، جیش خالی باشد، زبانش به مدح و ثنای این و آن دراز است که می شود مملق و این می شود «املاق»، من بخواهم زبانتان به تملق باز نشود، کمرتان در اثر فقر نشکند، دستتان هم در جیب و کیفتان باشد و آبرومندانه زندگی کنید، تشکیل این تعاونی ها برای همین جهت تصویب شده است."

می توان با این روش دینی کارمندانی که تولید کرد که دو روش زندگی برای خود دارند یک بعد زندگی این افراد کارمندی و اجیر شدن است و بعدی دیگر که از رهگذر تسهیلات مالی دولت و ارگانی که این افراد را اجازه کرده اند این گونه است که این افراد آقای خودشان اند. این افراد دلسوز تر و کار آمد تر هم می شوند. ایشان در باره این روایات این گونه تحلیل می کند "این روایات دو طایفه است: یک طایفه نهی کرده که مبدا مزدور شوید و یک طایفه هم اجازه داده است. اینکه در فقه جمع کردند و گفتند که اجیر شدن و مزدور شدن مکروه است، یعنی همین، «جمعاً بین الطائفتین» که یک طایفه نهی کرده مبدا خودتان را اجیر کنید، برای اینکه تمام ابتکاراتتان را صاحب کار می برد - این برهان مسئله است - وقتی که گفت تمام کارتان را صاحب کار می برد، یعنی شما برای خودت کار بکن." به عبارتی منظور از کراهت موجود در این روایات همان نابود شدن خلاقیت و ابتکار شخص به طور کامل است. "بنابراین ما یک اقتصاد مقاومتی بدون کرامت داریم، یک اقتصاد مقاومتی کرامتی داریم که با (لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) [۱۹] همراه باشد و راه هم دارد، آن وقت وقتی کسی برای خود کار می کند با حیثیت و کرامت کنار سفره خود می نشیند، این کریم پرور است و ملت کریم پرور، کار رذل هرگز نمی کند، انجام کار پایین

و فرسوده را هرگز به خود اجازه نمی‌دهند و مانند آن. اینها علائمی است که تعامل متقابل بین فرهنگ و اقتصاد را بیان می‌کنند."

در آخر می‌توان گفت که یکی از مشاغل و یکی از راه‌های کسب درآمد برای افراد جامعه مخصوصاً جامعه امروزی کارگری و کارمندی است. کراهتی که برخی از احادیث از آن یاد می‌کند به دلیل چند مورد است:

۱. می‌توان از بین رفتن خلاقیت و نوآوری فرد را به عنوان یکی از معضلات کار برای اشخاص دیگر نام برد. هنگامی که فرد برای یک صاحب کار که خلاقیت و ابتکار کار از او بوده کار می‌کند یک سری کارهای تکراری و بدون هوشمندی انجام می‌گیرد. در حقیقت می‌توان نام این معضل را اداره زدگی گذاشت. زیرا فرد در عنوان جوانی خود که معدن خلاقیت است به صورت میخ کوب به یک صندلی مشغول کارهای اداری می‌شود و این کارها به مدت ۳۰ سال تمام انرژی و سرمایه جوانی فرد را می‌گیرد. زمانی که از این کار فراغ می‌یابد دیگر خلاقیت آن دوران جوانی را ندارد که خود صاحب تجارت شود. برای جلوگیری از اداری زدگی باید یک برنامه خاصی برای کارمندان طرح کرد که ایشان ضمن کار کردن برای دیگران بتوانند با داشتن سرمایه‌ای که دولت یا آن ارگان به صورت وام در اختیار کارمندان قرار می‌دهند تجارت خود را داشته باشند تا سرمایه‌زدگی‌شان که همان جوانی و خلاقیت است در خلل کار اداری ناپود نشود.

۲. دلیل دیگری که باعث می‌شود کار اداری ناپسند باشد این است که فرد برای شخصی که ناصالح است کار کند. در داستان صفوان بن مهران دیده می‌شود که به خاطر شترانی

که به خلیفه اجاره داده بود امام کاظم ایشان را مذمت می کند. داستان از این قرار است که: روزی صفوان جمال شتران خود را به جهت سفر حج به هارون رشید کرایه داد، چون خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام رسید آن جناب فرمود: ای صفوان! هر چیز از تو نیکو و جمیل است مگر یک چیز از تو و آن کرایه دادن شتر است به این مرد یعنی هارون. عرض کرد که من به جهت سفر معصیت و لهو و لعب کرایه ندادم، ولکن کرایه دادم برای طریق مکه و خودم هم در کار نیستم بلکه امر دست غلامان من است. امام فرمود: آیا کرایه از ایشان طلب نداری؟ گوید: چرا؟ فرمود: آیا دوست نداری بقای ایشان را تا کرایه تو به تو برسد؟ گوید: بلی، فرمود: کسی که دوست داشته باشد بقاء ایشان را، پس او از ایشان است و کسی که از ایشان باشد با ایشان وارد آتش شود. صفوان رفت و همه شتران خود را فروخت، هارون چون مطلب را فهمید به وی گفت: به خدا قسم! اگر نبود حسن مصاحبت تو، هر آینه تو را می کشتم. "حمدویه، قال: حدثني محمد بن اسماعيل الرازي، قال: حدثني الحسن بن علي بن فضال، قال: حدثني صفوان بن مهران الجمال، قال: دخلت على أبي الحسن الاول عليه السلام فقال لي: يا صفوان كل شيء منك حسن جميل ما خلا شيئا واحدا قلت: جعلت فداك أي شيء؟ قال: اكراؤك جمالك من هذا الرجل يعني هارون، قلت: والله ما أكريته أشرا ولا بطرا ولا لصيدا ولا للهو ولا لکنی أكريه لهذا الطريق يعني طريق مكة، ولا أتولاه بنفسی و لكن أنصب غلمانى. فقال لي: يا صفوان أيقع كراؤك عليهم؟ قلت: نعم جعلت فداك، قال: فقال لي: أ تحب بقائهم حتى يخرج كراؤك؟ قلت: نعم، قال: فمن أحب بقائهم فهو منهم، و من كان منهم كان ورد النار. قال صفوان: فذهبت و بعث جمالى عن آخرها، فبلغ ذلك الى هارون، فدعاني فقال لي:

یا صفوان بلغنی أنك بعث جمالک؟ قلت: نعم، فقال: لم؟ قلت: أنا شیخ کبیر و أن الغلمان لا یفون بالاعمال. فقال: هیئات ایهات أنى لا علم من أشار علیک بهذا موسى بن جعفر، قلت: مالی و لموسى بن جعفر، فقال: دع هذا عنک فوالله لو لا حسن صحبتک لقتلتک.”

در این روایت علت مذمت امام را می توان انتظار برای بقای خلیفه ای ناصالح دانست. که با استدلال امام می بینم که شخصی که شتران خود را برای کسب درآمد حلال به خلیفه اجاره داده اما چون منتظر این است که مالش برگردد در این انتظار سالم بازگشتن آن خلیفه می شود. این درحالی است که فرد مال خود را به شخص ناصالح سپرده است حال اگر فرد خود را در اختیار صاحب کار ناصالح قرار دهد. فرد باید انتظار سلامت صاحب کار خود را بکشد تا کارش سامان داشته باشد و معلق نشود تا آن درآمدی که به طور ثابت دارد هر ماه به آن دستش برسد. ولی اگر افراد صاحب کار انسان های مومن صالح باشند یا اینکه در جامعه اسلامی باشد در راستای اهداف ان اشکالی ندارد.

۳. شخص تمام وقت خود را صرف کار شخص دیگری نکند بلکه به طور مثال ۸ ساعت کارمند باشد و مابقی ساعات خود را صرف کار های شخصی خود بکند یعنی تمام زندگی خود را برای تلاش برای شخص دیگر نکند. در این صورت کارمندی و کارگری اشکال ندارد.

در این بررسی بدین نتیجه می رسیم که کارمندی و کارگری از نظر رویایات در صورتی کراهت دارد و ناپسند است که شخص خلاقیت خود را از دست ندهد و در خدمت جامعه اسلامی و افراد صالح باشد و تمام وقت برای کسی کارگری نکند. در غیر این موارد انسان

انسانیت خود را در جهت خواسته های دیگران از دست می دهد زیرا وقتی از انسان خلاقیت را بگیرند و در جهت خلاف عقیده ای او را به کار می گیرند دیگر از انسان به جز رباطی که به او برنامه می دهند ووی بدون تفکر کار می کند باقی نمی ماند. در حقیقت این روایات از مومنان می خواهند که حتی اگر در مضیقه مالی قرار گرفته اند هر کاری را انجام ندهند. حتی در حدیثی که امام علی برای یک شخص یهودی کار می کند ان کار از حکمت دور نیست .

۴. بحث دیگری را که می توان در ذیل این مباحث آورد بحث تاریخ مند بودن این متون است. در روایتی که امام علی برای فرد یهودی کار می کند جامعه اسلامی به گونه ای بوده که افراد بسیار در مضیقه مالی بودند. به طوری که مواد غذایی بسیار کم بوده است. اما در دوران امام صادق این چنین نبوده پس ایشان بحث صاحب کار صالح را بیان می کنند در حالی که در روایات امام علی علیه السلام (روایت سوم و سائل) بحث کم شدن روزی به خاطر این است که فرد نتیجه و حاصل کار خودش را باید تمام و کمال تقدیم شخص دیگری کند و ان شخص به او اجرت دهد. امام علی علیه السلام یکی از راه های گذران زندگی انسان را کارگری می داند. حتی در حدیثی که از امام کاظم نقل شد که همان حدیث شتران صفوان بن مهران بود بحث تاریخ صدور این حدیث مطرح است. که ایشان به فردی مانند خلیفه وقت که ظالم بوده شترهای خود را اجاره می دهد در حالی کارشان از نظر شرعی اشکالی نداشته ولی با استدلال های امام ایشان متوجه می شود. پس باید در مواجهه با احادیث کراهت کارمندی بحث تاریخی بودن متن را هم افزود شاید در ان زمان با ان شرایط همان گونه که از سنوالت ان شخص در حدیث شماره سه در کافی که عمار



ساباطی از امام صادق می پرسد بحث کارمندی را می شود فهمید که در ذهنش حرمتی وجود دارد که امام با این شرایط آن را حل می کند. در آخر در مواجهه با این دست احادیث جست و جو در تاریخ و فضای صدور احادیث بسیار اهمیت دارد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نام کتاب: وسائل الشیعه. نویسنده: شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۰۴ ق محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. موضوع: جوامع روایی. زبان: عربی تعداد. جلد: ۳۰. ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام. مکان چاپ: قم. سال چاپ: ۱۴۰۹

نام کتاب: الکافی (ط - الإسلامية) نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب تاریخ وفات مؤلف: ۳۲۹ ق محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد موضوع: کتب اربعه زبان: عربی تعداد جلد: ۸. ناشر: دار الکتب الإسلامية. مکان چاپ: تهران. سال چاپ: ۱۴۰۷

نام کتاب: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی تاریخ وفات مؤلف: ۱۳۲۰ ق محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام موضوع: جوامع روایی زبان: عربی تعداد جلد: ۲۸. ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام مکان چاپ: قم سال چاپ: ۱۴۰۸ ق

نام کتاب: الوافی نویسنده: فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی تاریخ وفات مؤلف: ۱۰۹۱ ق محقق / مصحح: ندارد موضوع: جوامع روایی زبان: عربی ناشر: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام مکان چاپ: اصفهان سال چاپ: ۱۴۰۶ ق تعداد جلد: ۲۶

نام کتاب: مجمع البحرين نویسنده: طریحی، فخر الدین بن محمد تاریخ وفات مؤلف: ۱۰۸۷ ق محقق / مصحح: حسینی اشکوری، احمد موضوع: لغتنامه زبان: عربی تعداد جلد: ۶ ناشر: مرتضوی مکان چاپ: تهران سال چاپ: ۱۳۷۵ ش

نام کتاب: مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی تاریخ وفات مؤلف: ۱۱۱۰ ق محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم موضوع: کتب اربعه زبان: عربی تعداد جلد: ناشر: دار الکتب الاسلامیه مکان چاپ: تهران سال چاپ: ۱۴۰۴

جامع الحدیث شیعه للبروجردی، درس خارج فقه آیت الله جوادی ۱۸/۰۱/۹۳ موضوع: احکام ربا/ اقسام ربا.

نام کتاب: فقه القرآن نویسنده: قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله تاریخ وفات مؤلف: ۵۷۳ ق محقق / مصحح: الحسینی، احمد / مرعشی، محمود

نام کتاب: رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال (مع تعلیقات میر داماد الأسترآبادی) نویسنده: کشی، محمد بن عمر تاریخ وفات مؤلف: نیمه اول قرن ۴ ق محقق / مصحح: رجایی، مهدی

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**


 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

 موسسه
 و امور اعتبارات

پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام
 ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
 دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و
www.Olomensani.ir
www.Ghanonyar.ir

موضوعات پذیرش مقالات

■ تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
 ■ روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش
 کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱
مدیر اجرایی همایش
 دکتر شهلا رضایی
دبیر علمی و مسئول همایش
 دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
 OLOMENSANI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
 دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش یا خانم دکتر قیادی تماس بگیرید ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))










